
مسئولیت مدیران عامل و هیات مدیره و بازرسان در شرکتهای سهامی

کلیات - مسئولیت هیات مدیره و مدیران عامل و بازرسان در قانون اصلاح قانون تجارت ایران مصوب اسفندماه ۱۳۴۷ بسیار شدیدتر از مسئولیت این اشخاص در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ میباشد میدانیم که قانون تجدید اقتباس مستقیم و بعبارت بهتر ترجمه آزادی از قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ فرانسه میباشد و همانطور که مسئولیت مدنی و کیفری هیات مدیره و مدیران بازرسان شرکتهای سهامی در قانون فرانسه پذیرفته شده در قانون ایران نیز در بخش ۱۱ تحت عنوان مقررات جزائی باین مسئولیت اشاره شده و مقررات خاصی پیش بینی شده است. باید خاطر نشان کرد که یک تقصیر جزائی در اکثر موارد یک تقصیر مدنی را نیز بدنبال دارد و متخلف علاوه بر مجازات قانونی برای نقض مقررات قانونی مسئولیت مدنی نیز خواهد داشت و متذکر میگردد که مدیران عامل شرکتهای که در رأس اداره شرکت قرار دارند مسئولیت مدنی نداشته بلکه فقط در بعضی موارد از نظر جزائی مسئول شناخته شده اند

مسئولیت مدنی:

مبنای مسئولیت مدنی - در قانون فرانسه مبنای مسئولیت مدنی را ماده ۱۳۸۲ قانون مانی تشکیل میدهد که ناظر به اصل کلی مسئولیت مدنی بوده و بموجب این ماده که نسبت به قانون تجارت حکم قانون مادر را دارد هر سهامدار یا شخص ثالثی که از اعمال مدیران شرکت متضرر شوند می توانند جبران خسارت خود را درخواست

1) Maniel des sociétés Anonymes, régis par les lois du 24 Julliet 1966 et décret du 23 mars 1967. A. Dalsace. 4e édition. 1967. Paris

نمایند و در ماده ۲۴۴ قانون ۱۹۶۶ نیز مدیران بطور انفرادی و دسته‌جمعی (بر حسب مورد) در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مسئول شناخته شده‌اند. خواه جرائم و تخلفات آنها موضوع فصول ۴ و ۵ و ۶ مبحث اول قانون ۱۹۶۶ و یا قانون ۲۴ مارس ۱۹۶۷ باشد و خواه تجاوز از اساسنامه شرکت و یا تقصیرات ارتكابی در اعمال و ظایف مدیریت باشد^۲ در هر صورت دادگاه سهم مسئولیت هر یک از آنها را درحالی که مجتمعاً مرتکب تخلف شده باشند تعیین خواهد نمود.

مبنای مسئولیت در قانون ایران بموجب قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ (مواد ۱ و ۲) و مواد ۳۲۸ و بعد و ماده ۳۳۱ و بعد قانون مدنی (در مبحث اتلاف و تسبیب) تعیین شده است ماده ۱۴۲ قانون تجارت ۱۳۴۷ (شرکتهای سهامی) ترجمه کامل ماده ۲۴۴ قانون فرانسه ۱۹۶۶ است که فوقاً بیان شد بنابراین بموجب این ماده مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول میباشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود. تنها فرق ماده ۱۴۲ قانون تجارت ایران با ماده ۲۴۴ قانون ۱۹۶۶ فرانسه اینست که در ماده ۲۴۴ فقط اشاره به هیأت مدیره شده و در ماده ۲۴۹ همان قانون مسئولیت مدیران عامل را نیز همانند مسئولیت هیأت مدیره دانسته است لیکن در ماده ۱۴۲ قانون ایران بطور کلی مسئولیت هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت را بیان نموده است.

در مورد بازرسان شرکت باید گفت هیأت بازرسی (یعنی بازرسان) فقط در مواردی از نظر مدنی و کیفری مسئول خواهند بود که در نحوه رسیدگی بحسابها مرتکب تقصیر و تخلف شده باشند و یا اینکه در اجرای وظایف خود بموارد تخلفی از ناحیه مدیران برخورد نموده ولی مجمع عمومی شرکت را مطلع ننمایند (ماده ۲۵۰ ق. ت. ۱۹۶۶ فرانسه) که در اینصورت فقط از نظر مدنی مسئول شناخته می‌شوند.

ماده ۱۵۱ قانون ایران بازرس یا بازرسان شرکت را موظف نموده که در صورت اطلاع از ارتكاب هرگونه تخلف یا تقصیری از ناحیه مدیران و مدیر عامل (در امور شرکت) مراتب را با اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتیکه ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید بمرجع قضائی صلاحیتدار مراتب را اعلام و نیز جریان را با اولین مجمع عمومی گزارش نمایند و ماده ۱۵۴ صراحتاً بازرس یا بازرسان شرکت را در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات وارده شناخته است. ملاحظه می‌شود مسئولیت مورد نظر قانون فرانسه و ایران در مورد بازرسان هیچگونه اختلاف و تفاوتی ندارد.

۲) باید توجه داشت که تجاوز از مقررات قانونی و اساسنامه الزاماً تقصیر خواهد بود.

تخلف از مقررات قانون و اساسنامه

تفكيك اين دونوع از تخلف هيأت مديره و مديران كه غالباً بعلت تداخل و اشتراك مشكل ميباشد مفيد نيز نخواهد بود، بطور مثال عدم تشكيل مجمع عمومي عادي سالانه ظرف ۶ ماه از تاريخ پايان هر سال مالي بموجب ماده ۲۵۴ قانون ايران جرم بوده و مجازات آن ۲ تا ۶ ماه حبس و يا جزاي نقدي از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ريال يا هر دو مجازات خواهد بود^۳ ليكن لذي الاقتضاء ممكن است اين تخلف يكنوع تجاوز از مقررات اساسنامه را تشكيل دهد و آن در صورتي است كه در اساسنامه مهلت تشكيل مجمع عمومي كمتر از ۶ ماه تعيين شده باشد (مثلاً ۴ ماه) و در مهلت مقرر مجمع عمومي سالانه تشكيل نشده باشد (موضوع ماده ۸۹) ماده ۷ قانون فرانسه مؤسسين شركت و اعضاء اوليه مديريت، هيأت مديره و مديران عامل و بازرسان شركت را منفرداً مسئول جبران خساراتي كه ناشي از تجاوز و تخلف و يا خودداري از انجام وظيفه آنها باشد، دانسته و همينطور اگر اين خسارات ناشي از انجام نامنظم تشريفات مقرر قانوني و يا مقررات مربوط به تاسيس شركت و يا تخلف از مقررات اساسنامه باشد.

اين مسئوليت همانطور كه فوقاً بيان شد در ماده ۱۴۲ قانون تجارت اصلاحي ايران نيز صراحتاً مورد اشاره و بيان قرار گرفته است.

اصولا تخلف از مقررات قانون و اساسنامه غالباً به مجمع عمومي شركت مربوط خواهد بود. مديران و هيأت مديره و بازرسان در حدود و ظايف و اختيارات خود نه تنها در مقابل مجمع عمومي مسئول خواهند بود بلكه همانطور كه فوقاً اشاره شد در خصوص مراقبت و نظارت بر تشكيل مجمع عمومي و دعوت سهامداران قانوناً مسئوليت دارند.

ذكر اين نكته ضروري است كه در صورتيكه سرمايه شركت تا ميزان مقرر قانوني تقليل يابد دعوت و تشكيل مجمع عمومي فوق العاده از طرف رئيس اعضاء هيئت مديره الزامي است ماده ۲۴۱ قانون فرانسه ميگويد: در صورت از ميان رفتن سه چهارم سرمايه شركت، رئيس و اعضاء هيأت مديره و بر حسب مورد موظفند ظرف چهار ماه از تاريخ تصديق حسابهاي شركت كه مبني بر ازميان رفتن ۳/۴ سرمايه شركت است مجمع عمومي فوق العاده را براي اتخاذ تصميم در مورد انحلال يا بقاء شركت دعوت نمايند^۴ بموجب قانون ايران ماده ۲۶۵ رئيس و اعضاء هيأت مديره كه در صورت از ميان رفتن بيش از نصف سرمايه شركت بر اثر زيانهاي وارده حداكثر تا دو ماه مجمع عمومي فوق العاده صاحبان سهام را دعوت ننمايند و موضوع انحلال

۳) ماده ۱۵۲ قانون فرانسه نيز ناظر به تعيين مهلت ۶ ماه براي انعقاد و تشكيل مجمع عمومي عادي سالانه است و بموجب ماده ۴۴۱ مجازات متعلق به اين تخلف ۲ تا ۶ ماه حبس و ۲۰۰۰ فرانك الي ۴۰۰۰۰ فرانك جريره و يا فقط يكي از اين دو مجازات خواهد بود.

۴) ماده ۴۵۹ قانون فرانسه مجازات اين تخلف را دو ماه تا شش ماه حبس و جزاي نقدي از ۲۰۰۰ فرانك تا ۲۰۰۰۰ فرانك و يا يكي از اين دو مجازات تعيين نموده است.

یا بقاء شرکت مورد شور و رای واقع نشود و حداکثر تا یکماه بنسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند بحسب از دو ماه تا ششماه یا بجزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال یا بپردو مجازات محکوم می‌شوند. لازم به تذکر است که مسئولیت جزائی فوق‌الذکر حق اقامه دعوی سهامداران را علیه رئیس و اعضاء هیأت مدیره بعنوان مسئولیت مدنی منتفی نخواهد ساخت بعبارت بهتر اعمال رئیس و اعضاء هیأت مدیره و بازرسان و مدیران شرکت سهامی هرگاه با تخلف و تجاوز از مقررات قانونی و اساسنامه توأم باشد و موجب خسارت گردد مسئولیت آنها را در برخواهد داشت.

اضافه مینمائیم که مسئولیت رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل و بازرسان شرکت نه‌تنها در مورد عدم اجرای وظایف و تعهدات قانونی آنها وجود دارد بلکه تجاوز و تخطی آنها از ممنوعیت‌های قانونی و پیش‌بینی شده در اساسنامه نیز سبب مسئولیت آنها خواهد بود.

تقصیرات و تخلفات ناشی از اعمال مدیریت. (تقصیرات مدیران)

رئیس و اعضاء هیأت مدیره مسئول اعمال مدیریت خود هستند حتی اگر ناشی از مسامحه و اهمال کاری آنها باشد و خواه راجع به عدم انجام وظایف خود و یا تجاوز از اختیاراتشان باشد.

در مورد تجاوز از اختیارات مثلاً می‌توان گفت که بکاربردن سرمایه اصلی شرکت در معاملات بورسی بطور اتفاقی و برخلاف منافع شرکت و یا استفاده از سرمایه شرکت برای باز خریدن سهام شرکت بدون اینکه موافقت مجمع عمومی اخذ شده باشد موجب مسئولیت خواهد بود. (نسبت‌دادن اغراق‌آمیز برای صدور سهام و تعهدات شرکت) «مواد ۲۴۲ و بعد قانون اصلاحی». در خصوص تسامح و سهل‌انگاری اعضاء هیأت مدیره شرکت‌های سهامی نظر باینکه در اکثر قوانین هیأت مدیره موظفند از میان خود یکنفر را به ریاست انتخاب نموده که اداره شرکت زیر نظر و تحت مسئولیت وی انجام گیرد عقیده شایمی در اینمورد وجود دارد که اعضاء هیأت مدیره را در خصوص تسامح و سهل‌انگاری در اعمال مدیریت خود مسئول نمی‌شناسد و فقط رئیس هیأت مدیره را مسئول سهل‌انگاریها و اهمال‌کاریهای سایر مدیران (اعضاء) میدانند.

اعمال دسته جمعی و اعمال انفرادی

تقصیرات و تخلفاتی که فوقاً بیان شد مربوط به مجتمع شرکت بوده و خسارات احتمالی ناشی از آن نیز متوجه شرکت خواهد بود لیکن بعضی از اعمال مدیران و هیأت مدیره ممکن است موجب خسارت فردی بشود بعنوان مثال یکی از سهامداران

۵) بقانون ۱۶ نوامبر ۱۹۴۰ و قانون ۴ مارس ۱۹۴۳ و قانون ۱۹۶۶ فرانسه میتوان اشاره نمود.

تعدادی از سهام خود را بفروشد و یا تعدادی از سهام دیگران را خریداری نماید و البته تصمیم وی تحت تأثیر مانورهای متقلبانه مدیران شرکت و یا مثلاً بیلان غلطی و موهومی که تهیه شده، صورت عمل بخود بگیرد و یا مثلاً شخص ثالثی بهمین علت با شرکت عقد یا قراردادی منعقد نماید که در اینصورت سهامداری که متحمل خسارت بشود می‌تواند دعوی خود را بطور انفرادی طرح نماید و یا لدی‌الاقتضاء از اقامه دعوی صرف‌نظر نماید.

تفکیک بین اعمال دسته‌جمعی و انفرادی از نظر تئوری دارای فایده بیشتری خواهد بود تا از نظر عملی.

امروزه امکان تداخل و اشتراك ایندو نوع اعمال بسیار زیاد است مثلاً حیف و میل کردن سرمایه و اریز شده توسط‌پندیره نویسان را دادگاه يك عمل انفرادی تشخیص داده است.^۶

اقامه دعوی مسئولیت

این مسأله بسیار مورد بحث و تفصیل قرار گرفته است، بیشتر تصمیمات و آراء رویه قضائی بر مبنای تفاوت و اختلاف میان دعوی فردی و دعوی دسته‌جمعی است.

دعوی دسته جمعی را اصولاً باید علیه ارگانی که بنام شرکت عمل می‌کند اقامه و طرح نمود ماده ۲۴۵ قانون تجارت فرانسه قبول کرده است که اقامه دعوی دسته جمعی، بطور انفرادی نیز امکان پذیر باشد بنحوی که سهامدارانی که $\frac{1}{۳}$ سهام شرکت را دارا می‌باشند يك یا چند نفر را معرفی نمایند «خواه بعنوان خواهان یا خواننده» در طرح دعوی مسئولیت و خسارات ناشی از اعمال مدیران بدادگاه مراجعه نمایند. ماده ۲۷۶ قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در این خصوص می‌گوید: شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل يك پنجم مجموع سهام شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیأت مدیره یا مدیر عامل، بنام و از طرف شرکت و به‌زینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده بشرکت را مطالبه نمایند.

ملاحظه می‌شود که حداقل سرمایه لازم برای طرح و اقامه‌کنندگان دعوی مسئولیت در قانون فرانسه $\frac{1}{۳}$ و در قانون ایران $\frac{1}{۵}$ کل سرمایه شرکت است تصور می‌رود باتوجه باینکه اصولاً حق طرح دعوی حقی قابل انتقال است همانند مقررات قانون فرانسه (ماده فوق‌الذکر) طرح دعوی توسط يك یا چند نفر بنماینده‌گی دیگران بلااشکال باشد و از اینجهت تفاوتی بین حقوق ایران و فرانسه موجود نباشد. میدانیم که مدیران و هیأت مدیره سهامدارانی هستند که برای شرکت معامله

6) Req. 30 oct. 1945. Rec. Sirvey 1947. 1. 45. note. Flaisant

می‌کنند بنابراین این در صورت تحصیل منافع، این منافع متعلق به شرکت خواهد بود بهمین جهت است که ماده ۲۴۵ قانون فرانسه برخلاف رویه قضائی سابق، به خواهان‌ها اجازه طرح دعوی جبران خسارات وارده شرکت را علیه مدیران مسئول داده است.

لازم به تذکر است که قانون سابق فرانسه در این مورد همانند قانون ایران ساکت بود لیکن رویه قضائی فرانسه برخلاف رویه قضائی ایران که سکوت قانون را نشکسته بود، حق و اجازه طرح دعوی را بنام شرکت علیه مدیران مسئول برای سهامداران نمی‌شناخت. قانون فرانسه موضوع طرح دعوی فردی علیه بازرسان را پیش‌بینی ننموده است، و چون قانون مصوب ۱۲۴۷ ایران تقریباً ترجمه قانون فرانسه بوده بنابراین این سکوت را نیز مانند بیشتر موارد دنبال کرده است.

ماده ۲۷۷ قانون تجارت ایران گفته است: مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید بنحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید (و بطریق اولی نمیتواند آنرا ساقط کند) و ماده ۲۴۶ قانون ۱۹۶۶ فرانسه در این مورد در دوپاراگراف ابتدا به اساسنامه شرکت اشاره می‌کند و میگوید هر ماده‌ای از اساسنامه که حق طرح دعوی علیه مدیران را از سهامداران سلب و ساقط نماید بلااثر و کان‌لم‌یکن خواهد بود و سپس اضافه می‌کند هرگاه تصمیمات مدیران و هیأت مدیره متضمن یک تقصیر و تخلف باشد تصویب آن از طرف مجامع عمومی طرح دعوی مسئولیت علیه مدیران و هیأت مدیره را منتفی نخواهد ساخت.

بعضی از مؤلفین در مورد بازرسان نیز معتقدند که ماده فوق‌الذکر حاکم خواهد بود.^۷

صلاحیت دادگاهها

دعوی مسئولیت را اصولاً باید در دادگاه تجاری اقامه نمود البته چون محاکم تجاری در ایران دیگر وجود ندارد بنابراین از حیث تشریفات آئین دادرسی مدنی این دعوی تابع آئین دادرسی اختصاری خواهد بود در فرانسه دادگاه تجاری صلاحیتدار بموجب ماده ۴۳۱ قانون تجارت تعیین شده است.

قانون (فرمان) ۳۱ دسامبر ۱۹۲۵ که مکمل این ماده قانونی است اجازه میدهد که در اساسنامه شرکت ماده‌ای گنجانده شود که حاکی از تعیین دادگاه خاصی برای حل و فصل اختلافات و دعاوی بین سهامداران بر مبنای داوری باشد.

داوری این امتیاز را بر دادگاه تجاری دارد که بطرفین دعوی اجازه انتخاب داوران را که شناسائی عمیق و اطلاعات کافی راجع بموضوعات متنازع‌فیه دارند و سرعت قادر به اخذ تصمیم و صدور رأی خواهند بود، میدهد در عمل در کشور فرانسه

7) Manuel des S. A. Dalsace. 4e ed. Paris. 1967. P. 293.

موارد زیادی دیده شد که در اساسنامه شرکتها این ماده گنجانده شده است البته در انشاء عبارات این ماده باید توجه و دقت بیشتری کرد که ایجاد اشکال و اشتباه ننماید.

در قانون سابق وقانون ۱۳۴۷ ایران راجع به درج ماده فوق‌الاشاره در اساسنامه و اینکه سهامداران اختلافات و دعاوی خود را بتوانند از طریق داوری حل و فصل نمایند ذکر شده است تصور نمیرود باتوجه به مفهوم وسیع ماده ۱۰ قانون مدنی ایران ارجاع اختلافات و دعاوی سهامداران بدآوری وحل و فصل آنها از این طریق، و ذکر ماده‌ای در اساسنامه شرکت که منصرف باین موضوع باشد، ایراد و اشکالی داشته باشد علی‌الخصوص که پس از طرح دعوی نیز بطور قطع می‌توان بدآوری مراجعه نمود.

لازم به تذکر است که در فرانسه در اساسنامه شرکتها پیش‌بینی می‌شود که در صورت عدم توافق بین داوران تعیین شده بوسیله طرفین دعوی بیک داور ثالث ارجاع شود که این داور ملزم خواهد بود رأی یکی از داوران قبلی را تأیید نماید مگر اینکه بوسیله طرفین دعوی این اختیار باو تفویض شده باشد که یک راه حل بینابینی که بنظر وی صحیح‌تر می‌آید انتخاب نماید. غالباً تشکیل یک دادگاه داوری مرکب از سه نفر داور که رأی اکثریت منوط باشد، مرجح است و البته داوران باید مقررات شکل آئین دادرسی مدنی را در مبحث داوری رعایت کنند و الا داوری بدون اثر خواهد بود و داوران می‌توانند بر مبنای اصول انصاف و عدالت انشاء رأی و اتخاذ تصمیم نمایند بشرطی که این اختیار بآنها داده شده باشد.

برای احتراز از مشکلات احتمالی ذکر نحوه مراجعه بدآوری در اساسنامه مفید خواهد بود و موضوعی که ذکر آن ضروری است در امور جزائی و تقصیرات و تخلفاتی که مستوجب مجازات است ارجاع بدآوری قانوناً امکان‌پذیر نمیباشد.

مرور زمان دعوی مسئولیت

بدواً به مقررات قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ فرانسه اشاره می‌کنیم که قانون ایران مأخوذ از آن است ماده ۲۴۷ میگوید: دعوی مسئولیت علیه مدیران خواه انفرادی خواه دسته‌جمعی باشد پس از انقضاء سه سال از تاریخ وقوع عمل خسارت‌آور مشمول مرور زمان خواهد بود و اگر عمل مزبور مکتوم مانده باشد مرور زمان مذکور از تاریخ بروز و کشف عمل خواهد بود و هر گاه تقصیر ارتكابی از درجه جنایت باشد مدت مرور زمان ده سال خواهد بود.

بنابراین تخلفات و تقصیراتی که متضمن مجازات است عموماً و غالباً از درجه جنحه بوده و مرور زمان آن تابع مقررات مربوطه است، ماده ۲۴۸ اعضاء هیأت مدیره و ماده ۲۴۹ بازرسان شرکت را مشمول مقررات ماده ۲۴۷ از نقطه نظر مرور زمان دانسته است.

مغذلك ماده ۲۴۸ در مورد ورشكستگی شرکت و توقف وی در پرداخت دیون

مبدأ مرور زمان را از روزی احتساب مینمایند که عدم کفایت دارائی برای پرداخت طلب طلبکاران شرکت محقق و به ثبوت رسیده باشد این راه حل قبلاً نیز مورد عمل رویه قضایی فرانسه قرار گرفته بود.

مورد استثنائی تخلفات مؤسسين و مدیران و اعضاء هیأت مدیره و بازرسان مذکور در ماده ۷ این قانون مشمول مرور زمان ده ساله میباشد و مبدأ شرع این مدت از تاریخ ثبت تغییرات اساسنامه در اداره ثبت شرکتهای خواهد بود. در قانون ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ ایران در تمام ۳۰۰ ماده اشاره‌ای بمرور زمان دعوی مسئولیت نشده است و جای تعجب است که با وجود اینکه قانون ۱۹۶۶ فرانسه ترجمه و عیناً تصویب شده است در پاره‌ای از موارد از بعضی مواد که ذکر آنها ضروری بوده بسادگی گذشت لازم است برای روش شدن مطلب تفکیک زیر را قائل شویم:

۱- هنگامی که تقصیرات و تخلفات مدیران و اعضاء هیأت مدیره و بازرسان و مدیران تصفیه بموجب مواد ۲۴۳ الی ۲۶۹ مستوجب مجازات باشد با توجه به میزان مجازات مقرر که غالباً از درجه جنحه تشخیص شده است جرائم ارتكابی نیز مشمول مرور زمان جنحه خواهد بود یعنی سه سال از تاریخ وقوع جرم یا از تاریخ کشف آن.

۲- دعوی جبران خسارت از طرف سهامداران یا اشخاص ثالث را علی‌الاصول باید مشمول ماده ۷۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی دانست که مرور زمان آن ده سال تعیین شده است. زیرا مرور زمان ده ساله مزبور راجع است بکلیه اموال اعم از منقول و غیر منقول و حقوق و دیون و منافع و محصول و اسباب تملك و ضمان و دعاوی دیگر باستثنای مواردی که مدت دیگری برای مرور زمان صراحتاً ذکر و تعیین شده است. مطلب قابل توجهی که ذکر آن بیفایده نیست اینست که در ماده ۲۹۹ قانون ۱۳۴۷ گفته شده «آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجارتي می‌باشد نسبت بآن شرکتهای بقوت خود باقی است» بنابراین در خصوص شرکتهای سهامی عام و خاص بهیچ عنوان نمیتوان بمقررات قانون ۱۳۱۱ استناد نمود. در قانون اخیرالذکر در مبحث «بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات آن» ماده ۸۲ اشاره به مواد ۲۸-۲۹-۳۶-۳۷ و ۳۸ و ۳۹-۴۱ و ۴۴ و ۴۵ تا ۴۷ و ۵۰ نموده و هر شرکت سهامی را که این مواد را رعایت نکرده باشد از درجه اعتبار ساقط و بلااثر (باطل) دانسته است. در قانون ۱۳۴۷ نیز ماده ۲۷۰ عدم رعایت مقررات مربوط تشکیل شرکت یا تصمیمات متخذه توسط هر يك از ارکان شرکت را حسب مورد بنا بدرخواست ذینفع طبق حکم دادگاه موجب بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور دانسته است.

لیکن در قانون ۱۳۱۱ ماده ۸۷ مرور زمان این دعوی و دعوی خسارات ناشی از آن را ده سال از تاریخ حدوث سبب بطلان مقرر داشته درحالیکه در قانون ۲۴ اسفند

۱۳۴۷ اصولاً بمرور زمان این دعوی اشاره نشده است و این نقص قابل اهمیت را متشکل بتوان قابل توجیه دانست.

مسئولیت جزائی

باتوجه باینکه ضمن بحث درباره مسئولیت مدنی و مبنای آن و نیز در قسمت تخلف مدیران از مقررات قانون و اساسنامه کم و بیش به پاره‌ای از مواد قانونی، که برای مدیران مختلف و مقصر مجازات حبس و جزای نقدی تعیین نموده است، اشاره کرده‌ایم و نظر باینکه درباره مسئولیت جزائی مدیران و بازرسان و اعضاء هیأت مدیره اصولاً مطلبی که از نظر حقوقی قابل اهمیت و توجه باشد مشاهده نمی‌شود جزاینکه به انواع مختلف تخلفات و تقصیرات آنها با ذکر میزان مجازات يك بیک اشاره کنیم و معدلك تصور نمیرود انواع جرائم و تخلفات مدیران و هیأت مدیره منحصر و محدود به جرائمی باشد که در قانون تجارت صراحتاً مورد اشاره و تصریح قرار گرفته است و معتقدیم هرزمان برخلاف اصول و مقررات جاری مدیران مرتکب تخلفات و تقصیراتی بشوند و بطورکلی از اختیارات خود تجاوز و یا در انجام وظایف خود کوتاهی نمایند و علی‌الخصوص که در انجام این اعمال نیز حامد باشند مستوجب مجازات خواهند بود و علی‌الاصول ارتکاب اینگونه تخلفات و تجاوز از اختیارات مفوضه بطور عمدی و با سوء نیت مشمول تعریف قانونی کلاهبرداری خواهد بود، بنابراین شمردن یکایک جرائم مصرحه در قانون با ذکر حداقل و حداکثر میزان مجازات متعلقه فی‌الواقع نوعی تکرار و عمل زائدی خواهد بود، بهمین جهت این مقاله را در این قسمت خاتمه داده و امیدواریم که ارباب دانش اگر نقصان و یا اشتباهی در این مختصر مشاهده نمودند با تذکار آن، موجبات سپاسگزاری و امتنان اینجانب را فراهم فرمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی